

یادداشت

جواد امام:

قطعا جریان اصلاحات به دنبال کاندیدای اجاره‌ای نیست

● **بژنه**: جواد امام، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، درباره تصمیم نهاد اجماع‌ساز اصلاح‌طلبان برای ورود به مصداق‌ها برای انتخابات ۱۴۰۰ گفت: «تا اینجا اولین جلسه نهاد اجماع‌ساز شکل گرفته است و روز گذشته شروع به کار کرد تا آیین‌نامه آن تدوین شود. تصمیماتی باید در این راستا گرفته شود و طی این فرایند جلو برویم و به انتخابات نزدیک شویم. باید در این نهاد تصمیم گرفته و شاخص‌هایی تعیین شود و افراد برنامه خود را ارائه بدهند. کاندیدایی که می‌خواهد مورد اجماع و حمایت اصلاح‌طلبان قرار بگیرد قاعدتا باید وارد این مسیر شود و از طریق این مکانیسم که نهاد اصلاح‌طلبان آن را تعریف می‌کند، ورود کند و خود را در معرض تصمیم جمع قرار بدهد». او درباره افزایش اسامی کاندیداهای اصلاح‌طلب برای ۱۴۰۰ افزود: «برخی تکلیف و مأموریت دارند و با اصلاح‌طلبان کاری ندارند و فقط می‌خواهند به اسم اصلاح‌طلبی بیایند و در میدان حضور پیدا کنند. اگر قرار بر این باشد که ما کاندیدایی واحد داشته باشیم، باید اصلاح‌طلبان روی آن شخص به جمع‌بندی برسند و اجماعی صورت بگیرد و این شخص کاندیدای واحد اصلاح‌طلبان باشد و این طیف از او حمایت کنند». امام با اشاره به گمانه‌زنی‌ها درباره علی لاریجانی و حضور او در اردوگاه اصلاح‌طلبان تاکید کرد: «تا امروز از طرف جبهه اصلاحات هیچ کاندیدایی معرفی نشده است و ما تا امروز برنامه و تصمیمی در این زمینه و گزینه‌ای مثل لاریجانی نداشته‌ایم. آنچه مدنظر خاتمی است، تصمیم جبهه اصلاحات است. هر تصمیمی در مجموعه اصلاح‌طلبان به اتفاق آرا به جمع‌بندی برسد، مدنظر خاتمی است. قطعا جریان اصلاحات به دنبال کاندیدای اجاره‌ای، نیابتی و انتلافی نیست». او در پایان درباره تخریب‌هایی که علیه خاتمی انجام می‌شود، گفت: «مردم ابزار سؤال ندارند. همچنین نمی‌توان پرس‌وجو کرد و گفت چه هست و چه نیست؟! یک روز گفته می‌شود خاتمی در جلسه روزنامه‌نگاران فلان موضوع را گفته است، تکذیب می‌کنیم و فردا شایعه و تهمت دیگری منتشر می‌شود. امروز متأسفانه مواضع تندروهای داخلی عین مواضع نتانیاهو در اسرائیل و رضا پهلوی در آمریکا است؛ درحالی‌که اگر یکی از اصلاح‌طلبان چنین موضعی را اتخاذ می‌کرد، کارش با کرام‌الکاتبین بود. ما در چنین فضایی چه کاری می‌توانیم انجام بدهیم؟».

درحالی‌که اصولگرایان ادعا می‌کنند مشارکت حداکثری برایشان مهم است و در مصاحبه‌های مختلف به‌نوعی انگیزه و خواست حقیقی خود را کتمان می‌کنند؛ اما گاهی دم خروس بیرون می‌زنند. نتایج تاریخی انتخابات چیزی نیست که بشود آن را کتمان کرد یا نادیده گرفت. خودشان می‌دانند که مشارکت حداکثری بیشتر مواقع به نفع‌شان نبوده است؛ اما همین‌جا آنها دچار یک تناقض می‌شوند که بین مشارکت حداکثری و انتخاب مردم و آنچه با مشارکت حداقلی باب میل‌شان رخ می‌دهد، کدام را انتخاب کنند. برای همین، خبرگزاری فارس از یک سو در گزارشش می‌نویسد «اگر مشارکت حداکثری به ناکارآمدی بینجامد، بهتر است به قیمت مشارکت کم، افرادی به رأس کار بیایند که عرضه و توان اداره صحیح دولت را داشته باشند»؛ اما دست آخر نتیجه می‌گیرد که «اگر به هر دلیلی این هوشمندی در مقطعی انجام نشد، همه نیروهای انقلاب باید سمت مشارکت بایستند، ولو به قیمت انتخاب فرد و دولتی مثل دولت مستقرا». ناظران بیرونی معتقدند اصولگرایان و رسانه‌هایشان سرنا را از دهانه گشاد می‌زنند و واقعیت را به‌نفع خود قلب می‌کنند و با مغلطه‌سازی، در حال توهین به مردم هستند. از مدت‌ها قبل در فضای شبکه‌های اجتماعی این بحث «مقص‌سازی از مردم» را باب کرده‌اند. با حذف عمدی و نادیده‌گرفتن این گزاره که مردم مجبورند از بین گزاره‌های تأییدصلاحیت‌شده شورای نگهبان به یکی رای بدهند، می‌خواهند وضعیت فعلی کشور را گردن مردم و انتخاب غلطشان بیندازند. با این مغلطه دیگر که درصورتی‌که گزینه مدنظر آنها انتخاب می‌شد، اوضاع این‌گونه نبود؛ نکته جالب‌تر اینکه این تحلیل را هیچ‌وقت درباره هشت سال دولت احمدی‌نژاد به کار نمی‌برد؛ فردی که با حمایت‌های شش‌دانگ اصولگرایان، به‌ویژه در دولت دومش، روی کار آمد و از سوی برخی چهره‌های سرشناس همچون احمد جنتی و مصباح‌زیدی تمجید بسیار شد تا جایی که اطاعت از رئیس‌جمهور اطاعت از خدا دیده شد. بنا بر ادعای خودشان، احمدی‌نژاد با آرای بالایی رای آورده بود. سال ۸۴ روز چهارم تیر، تیت‌ر کهبان این بود «مردم کار را تمام کردند». ماجرا برای اصولگرایان این است؛ وقتی گزینه دلخواه آنها رای بیاورد، مردم و مشارکت بالا کارایی دارد و وقتی نه، مردم اشتباه می‌کنند و مشارکت بالا لزوما هم چیز خوبی نیست! این گزارش فارس خبر از اتفاق دیگری هم می‌دهد و آن نگرانی جدی از بحث میزان مشارکت در انتخابات ۱۴۰۰

است. برای همین از حالا به‌دنبال توجیه افتاده‌اند. برخی به‌دنبال تقصیرسازی از دولت روحانی‌اند که ناامیدی مردم از صندوق رای را گردن او و عملکردش و حتی اصلاح‌طلبان بیندازند. اصولگرایان مغلطه‌وار به تحلیل‌های خود ادامه می‌دهند؛ با حذف عامدانه این گزینه و گزاره که اگر این‌گونه است، پس مردم باید مشتاقانه برای خلاصی از اصلاح‌طلبان و روحانی، برای رای‌دادن به گزینه شما لحظه‌شماری کنند. نکته دیگری که باز عامدانه می‌خواهند فراموش کنند، این است که مگر نه اینکه در بسیاری از موارد استراتژی رای‌دادن به گزینه یا گزینه‌های اصلاح‌طلب یا حامیانشان، رأیی سلبی برای رای‌نیابوردن گزینه‌های مدنظر شما بوده است؟ آیا سازوکار آخرین انتخابات خبرگان که نامش

را فهرست انگلیسی گذاشته بودید، جز این بود؟ خبرگزاری فارس به‌صراحت مدعی شده عملکرد گزاره‌های مورد حمایت جریان اصولگرایی، حاکی از کارآمدی بوده و برعکس گزاره‌های مورد حمایت اصلاح‌طلبان ناکارآمدی. برای مقایسه هم فقط سه نهاد مجریه فعلی، قوه مقننه متاخر و شهرداری دوره قبل را در نظر دارد و عامدانه دوره هشت‌ساله احمدی‌نژاد را که هیچ‌کس گویا مسئولیت آن را قرار نیست قبول کند و همچنین دوره اصلاحات را که شاخص‌های اقتصادی و توسعه سیاسی و فرهنگی بالا رفته بود، نادیده می‌گیرد. برای گزاره‌های خود فکتنی مبتنی‌بر آمار و اطلاعات نیز ارائه نمی‌کند و صرفا با این ادعا که محبوبیت روحانی به ۱۰ درصد رسیده است، می‌نویسد: «در مقابل اما تجربه نهادهای نگرانی جدی از بحث میزان مشارکت در انتخابات ۱۴۰۰

سیاست

نگاه‌اصولگرایان به مشارکت در انتخابات ۱۴۰۰ چگونه است

مشارکت حداکثری از ادعا تا واقعیت



دوره محمدباقر قالیباف، تحولات اخیر قوه قضائیه در دوره آیت‌الله رئیسی، اقدامات محرومیت‌زدایی سستاد اجرایی، عملکرد غرور آفرین بنیادهای علمی و اجتماعی غیردولتی و پیشرفت‌های قابل تأمل نهادهای نظامی در عرصه‌های مختلف سازندگی، نظامی، محرومیت‌زدایی و… نشان می‌دهد علت ناکارآمدی‌ها را باید در جای دیگر جست‌وجو کرد». این گزارش عامدانه نمی‌خواهد به میزان محبوبیت رئیس دولت اصلاحات در ادوار گذشته و فرازونشیب محبوبیت احمدی‌نژاد اشاره‌های بکند.

فارس تنها علت مشارکت بالای مردم در رأی‌دادن به گزینه‌های اصلاح‌طلبان یا منتسب به آنان را پروپاگاندا می‌داند! «عده‌ای معتقدند هرجا مشارکت زیاد شد، جریانی‌که پروپاگاندا بهتر بلد است، رای می‌آورد و نه لزوما تدبیر و برنامه و کارنامه! بنابراین بهتر است، ولو به قیمت مشارکت کمتر، افرادی به رأس کار بیایند که اراده، عرضه و توان اداره صحیح دولت را داشته باشند». در این صورت، باید پرسید اگر مردم مغلوب پروپاگاندا می‌شوند، درحالی‌که رسانه ملی، تریبون‌های رسمی، فضاهای عمومی، امکان بسیج مردمی و رسانه‌های بسیاری در اختیار جریان اصولگرایی قرار دارد، پس چرا اصولگرایان توانسته‌اند از پروپاگانداي خودشان بهره ببرند!

و در آخر محتوای کلی گزارش فارس توهین به مردم، مردم‌سالاری، دموکراسی و حق تعیین سرنوشت مردم به دست خودشان است. گو اینکه چون مردم به گزینه مدنظر آنها در دو انتخابات پیشین ریاست‌جمهوری رای نداده‌اند، پس مشارکتشان بی‌ارزش است و نیاز به

قیم یا قیمی دارند که به جایشان و برایشان تصمیم بگیرد و برایش توجیه می‌آورد که «پای کار بودن مردم در درجه اول به معنای تجزیه‌وتحلیل درست وقایع و پدیده‌ها و اتخاذ تصمیم درست در عرصه‌های فردی و اجتماعی روزمره است. وقتی یک جریانی می‌تواند با پروپاگاندا و تبلیغات سیاسی نادرست هنوز با متهم‌کردن رقیب به دیوارکشی بین زن و مرد در خیابان‌ها یا وعده‌های اصلاح ۱۰۰روزه نابسامانی‌ها رای بیاورد و افکار عمومی را همراه کند، معلوم است که این جامعه آماده پیشرفت نیست». این یعنی درصورتی‌که اگر تسلیم پروپاگانداي اصولگرایی می‌شد و به رقیب رای می‌داد، احتمالا آماده پیشرفت بود!

جالب اینکه در گزارش خود به روایتی اشاره می‌کند که نقض آن چیزی است که برای اثباتش صغری‌کبری چیده است. وقتی می‌نویسد: «سیدمحمد موسوی خوینیی‌ها از اصلاح‌طلبان مؤثر و قدیمی در مصاحبه با خبرگزاری دولتی ایرنا می‌گوید: آقای هاشمی می‌گفت: من با آقای خامنه‌ای اینجا (در انتخابات) اختلاف‌نظر دارم. آقای خامنه‌ای نظرش این است که باید انتخابات خیلی پرشور باشد و مردم همه بیایند و هرچه مردم بیشتر بیایند بهتر است. اما آقای هاشمی معتقد بود بالاخره یک رئیس‌جمهور لازم داریم، با هم توافق کنیم که چه کسی بشود و تلاش کنیم که همان بشود.» و در انتها برای اینکه متهم به نگاه قیم‌مآبانه برای مردم نشود، بعد از آن صغری‌کبری چیدن‌هایی که مفهوم و خواست دیگری را می‌رساند، این‌طور نتیجه می‌گیرد: «شاید این تعبیر دقیق‌تر باشد که دوگانه کارآمدی– مشارکت اساسا گزاره غلطی است. راه کارآمدی از مسیر مشارکت (هوشمندانه) می‌گذرد، اما اگر به‌ردلیلی این هوشمندی در مقطعی انجام نشد همه نیروهای انقلاب باید سمت مشارکت بایستند ولو به قیمت انتخاب فرد و دولتی مثل دولت مستقرا!». شاید هم خبرگزاری اصولگرای فارس با این گزاره می‌خواهد بگوید چون برای ما مشارکت مهم‌تر است، برای ۱۴۰۰ شورای نگهبان قرار است با تساهل بیشتر به نامزدهای انتخابات نگاه کند و چهره‌هایی از سد تأیید صلاحیت بگذرند که امکانش تا پیش از این به یک معجزه شبیه بود. البته رسیدن به چنین دیدگاهی، نیاز به یک‌دستی و همفکری اصولگرایانه به‌ویژه در ساختارهای بالاتر دارد. بعید است که آیت‌الله جنتیی و همفکرانش چندان با این جملات آخر گزارش خبرگزاری فارس همسو باشند.

خبر

اطلاعیه اداره کل زندان‌های تهران درباره «بهنام محجوبی»

● **ایسنا**: اداره کل زندان‌های تهران در رابطه با «بهنام محجوبی» اطلاعیه‌ای صادر کرد. «در پی مسمومیت محکومی به نام بهنام محجوبی در یکی از بیمارستان‌های تهران، اداره کل زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی استان تهران در اطلاعیه‌ای ضمن ابراز تأسف، نسبت به این واقعه اعلام کرد: فرد مورد اشاره، دارای سابقه بیماری بوده و به همین دلیل در جریان تحمل محکومیت، تحت نظر پزشک قرار داشته است. این اطلاعیه می‌افزاید: زندانی محجوبی از ابتدای امسال تاکنون نیز هیچ درخواست ملاقاتی به جز یک مورد نداشته است، در تاریخ هفتم بهمن ۹۹ مادر وی درخواست ملاقات داشته‌اند که ملاقات هم انجام شده است. اداره کل زندان‌های تهران تصریح کرده: در تاریخ ۱۲ بهمن ۹۹ با نظر مرجع قضائی به‌دلیل بیماری محکوم مورد اشاره با تعویق اجرای مجازات وی موافقت می‌شود مشروط به اینکه وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی جهت خارج‌شدن از زندان اخذ شود. این موضوع همان زمان رسماً و به‌صورت کتبی به وی ابلاغ می‌شود. براساس این اطلاعیه: متأسفانه در روزهای گذشته، این محکوم دچار مسمومیت شده که بلافاصله جهت درمان به یکی از بیمارستان‌های تهران منتقل می‌شود. اداره کل زندان‌های تهران در این اطلاعیه، تاکید کرده است تمام مراقبت‌های مورد نیاز پزشکی در طول دوران حبس و همچنین اقدامات ویژه درمانی در زمان بستری‌شدن متهم در بیمارستان، به‌صورت کامل انجام شده و وی هم‌اکنون نیز تحت مراقبت‌های ویژه پزشکی می‌باشد. اداره کل زندان‌های تهران با اشاره به اینکه بررسی‌های اولیه و ادعای هم‌اتاقی‌های وی نشان می‌دهد زندانی محجوبی بر اثر مصرف بیش از حد دارو مسموم شده تاکید دارد: موضوع علت مسمومیت وی درحال بررسی دقیق و فوری است و نتیجه نهایی پس از بررسی پزشکی و قضائی اعلام می‌شود. این اطلاعیه در پایان یادآور شده است: این محکوم در غائله خیابان گلستان هفتم در سال ۹۶ دستگیر و پس از طی همه فرایندهای قضائی، به تحمل حبس محکوم گردیده بود». لازم به توضیح است در چند روز خبر مسمومیت دارویی و کاهش سطح هوشیاری بهنام محجوبی منتشر شده و شایعات از وخامت‌حال او و احتمال مرگ خبر می‌دهند؛ هرچند در اطلاعیه سازمان زندان‌ها او همچنان تحت مراقبت‌های ویژه پزشکی است.

ریموندویل

RAYMOND WEIL GENEVE



maestro collection

SARMAN Co.

No. 1832, Dr. Shariati St., Next to Pol-E-Roomi, Tehran - Iran